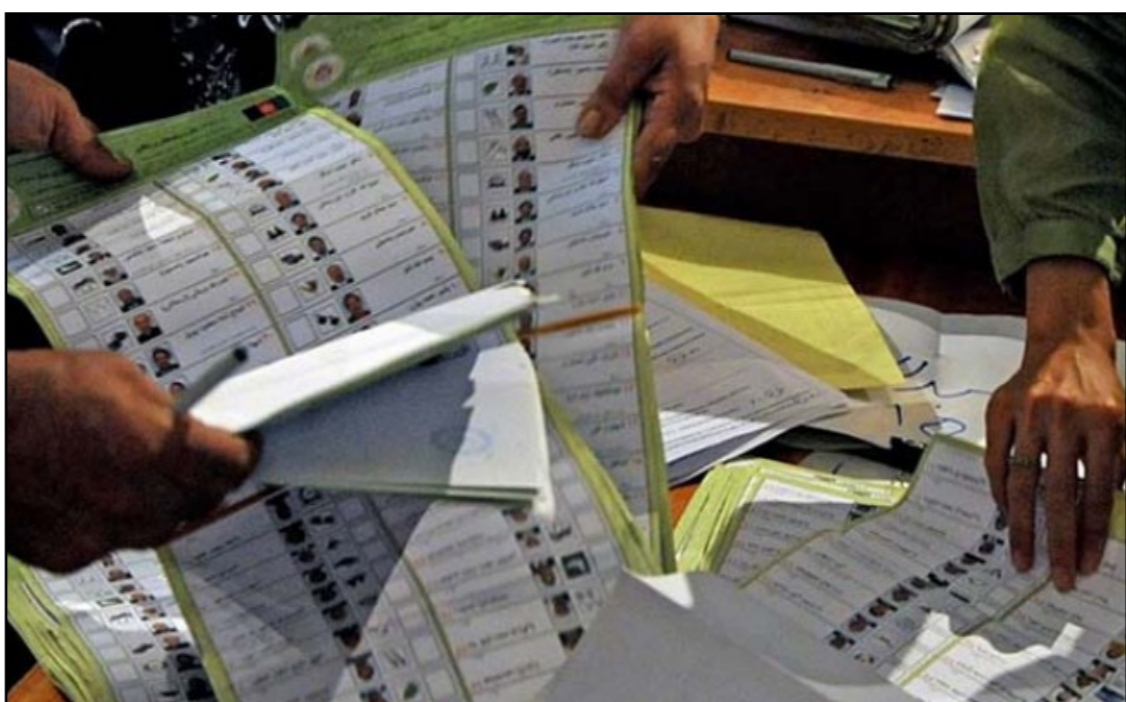


# حکومت و بن‌بست در آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی

رحیم حمیدی



آن را غیر مشروع می‌سازد. قانون که مشروعیت قانونی اساسی نداشته باشد نمی‌تواند مبنای عملکرد و رفتار کارگزاران نظام و کمیسیون مستقل انتخابات قرار گیرد و به رفتارها و کنش‌های این نهاد و کارگزاران آن مشروعیت بخشد.

به زودی تعطیلات تابستانی پارلمان نیز شروع می‌شود. با رفتن اعضای شورای ملی به تعطیلات تابستانی راه دوم نیز بر روی حکومت وحدت ملی بسته می‌شود. زیرا، در فقدان رای اعضای پارلمان حکومت نمی‌تواند فرمان تقنینی را اجرایی نماید. زیرا، فرمان در زمان کار شورای ملی صادر شده است و شورای ملی آن را رد نموده است.

اکنون که کمیسیون مشترک بر روی فرمان تقنینی به نتیجه نرسیده است راهی دیگر به لحاظ قانونی باز است و آن رای دو ثلث اعضای مجلس نمایندگان است. حکومت با لابی‌گری خود می‌تواند اعضای شورای ملی را متقاعد سازد که به فرمان تقنینی رای دهد. با این حال، رای گرفتن فرمان تقنینی در واقع زیر پا گذاشتن قانون اساسی کشور است.

به نظر نگارنده، گزینه اول کم‌هزینه‌تر برای حکومت است. با به تعلیق در آوردن بخش از مواد توافقنامه سیاسی حکومت می‌تواند جامعه جهانی را متقاعد سازد و انتخابات را برگزار نماید. بعد از برگزاری انتخابات و تشکیل پارلمان جدید می‌تواند یکبار دیگر، مواد به تعلیق در آمده توافقنامه را برقرار نماید. بعد از برگزاری انتخابات قانون اساسی را باید متذکر شد که حکومت در آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی تا این جای کار، حکومت را به شورای ملی فرستاده است. اکنون که فرمان تقنینی از سوی مجلس نمایندگان رد شده است و کمیسیون مشترک نیز به نتیجه نرسیده است. حکومت راهی جزء گزینه اول ندارد. این گزینه برای حکومت و دموکراسی و نظام انتخاباتی کشور پر هزینه است. زیرا، در دموکراسی‌ها قانون اساسی یکی از مهمترین اصول و معیار رفتارها و کنش‌های افراد و کارگزاران نظام است. آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی

مشروعیت نخواهد داشت. همه این مسائل نامشروع بودن ساختار حکومت کنونی را تداوم بخشیده است. حکومت برای برگزاری انتخابات و خارج کردن حکومت از نامشروعیت دو راه بیشتر در پیش رو ندارد.

اول: راه اول این است که رئیس جمهور غنی و عبدالله عبدالله توافقنامه سیاسی تشکیل حکومت وحدت ملی را زیر پا بگذارند و آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی را به تعویق بیاورند. به دیگر سخن، انتخابات شورای ملی بدون آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی برگزار شود. بر فرض زیر پا گذاشتن مواد توافقنامه سیاسی تشکیل حکومت وحدت ملی حکومت نیازمند راضی کردن جامعه جهانی برای تأمین بودجه انتخابات پارلمانی و شورای ولسوالی نیز می‌باشد. زیرا، جامعه جهانی نیز، در فقدان اصلاحات در نظام انتخاباتی در برگزاری انتخابات شورای ملی سهم مالی نخواهد گرفت. از این جهت، حکومت در عین حالی که بخش از توافقنامه سیاسی را به حالت تعلیق در

باقی نمانده است. اگر قانون اساسی را معیار قرار دهیم مجلس نمایندگان صلاحیت قبول و یا رد اصلاحات در نظام انتخاباتی را ندارد. بدون آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی حکومت نیز قادر به برگزاری انتخابات شورای ملی نیست. این بن بست است که حکومت در آن گیر کرده است. مسئله اما، به همین جا ختم نمی‌گردد. حکومت در برگزاری انتخابات نیازمند حمایت مالی کثرت مجلس نمایندگان خارج از چارچوب قانون اساسی به کار شان ادامه می‌دهد. این مسئله مشروعیت قانونی این مجلس را زیر سوال برده است. در عین حال، بر اساس قانون اساسی، این شورا در سال آخر دوره کاری خود صلاحیت آوردن اصلاحات در قانون و نظام انتخاباتی کشور را ندارد. اکنون که دوره قانونی این شورا به پایان رسیده است مسئله از بنیاد منتهی است. به دیگر سخن، شورای ملی صلاحیت تغییر در نظام انتخاباتی و قانون انتخابات را ندارد. این مسئله نشانگر به بن رسیدن حکومت در آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی کشور است. هیچ راهی قانونی برای حکومت

در روزهای گذشته وزیر مبارزه با مواد مخدر گفته است که از مجموع سه و نیم میلیون معنادار افغانستان، ۸۵۰ هزار تن آنها را زنان تشکیل می‌دهد. وزیر مبارزه با مواد مخدر همچنان گفته است که ۱۱۰ هزار کودک نیز معنادار به مواد مخدر است. افغانستان یکی از کشورهای با چندین سال بی‌کفایتی است که تولیدکننده مواد مخدر شناخته شده است. تولید مواد مخدر و دسترسی آسان به آن، یکی از عوامل عمده ی اعتیاد در افغانستان به شمار می‌رود. اما این برای اولین بار است که ارقام رسمی از معناداران در کشور و بخصوص زنان معنادار ارائه می‌شود.

اعتیاد یک معضل اجتماعی است که با توجه به تجارت جهانی آن، اکنون اکثر کشورهای جهان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. مردم افغانستان نیز سالها است که در کنار سایر مشکلات، از اعتیاد نیز رنج می‌برند، اما حکومت افغانستان هنوز نتوانسته در امر مبارزه با مواد مخدر و همچنان کاهش رنجی آوردن به اعتیاد موفق شود. تصور اکثر مردم در افغانستان این است که اعتیاد یک پدیده ی مردانه است، بسیاری از مردم از حضور زنان در قلیان خانه ها و سیگار کشیدن آنها تعجب می‌کنند چه رسد به اینکه فکر کنند آنها به مواد مخدر معتاد هستند. اما گزارش‌های رسمی و واقعیت‌های عینی اجتماعی، ثابت می‌کند که این تصور درست نیست و اکنون ۸۵۰ هزار زن در کشور به مواد مخدر معتاد هستند. بیکاری و ناامنی از جمله عواملی روی آوردن به مواد مخدر در افغانستان دانسته شده است. عواملی که این روزها بیشتر افغانها با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند و از پیامدهای ناشی از آنها رنج می‌برند. اما روی آوردن زنان به اعتیاد بیشتر از اینکه متاثر از فقر، ناامنی و بیکاری باشد، متاثر از زندگی خانوادگی آنها است. زنان افغانستان بیشتر اوقات خود را در خانه سپری می‌کنند و فعالیت‌های آنها محدود به چهار دیواری خانه می‌شود. در یک چنین وضعیتی وجود یک فرد معتاد در خانواده، احتمال روی آوردن زنان به اعتیاد را افزایش می‌دهد و آنها را بصورت مستقیم در معرض

## اعتیاد زنان؛ عوامل و پیامدهای آن

مهدی مدیر

در بیشتر اوقات با کودکان رفتار همراه با خشونت دارند و یا اینکه به لت و کوب آنها می‌پردازند.

همچنان اعتیاد باعث می‌شود که زنان بیشتر در معرض آسیب‌پذیری قرار بگیرند. زنان معتاد نسبت به مردان معتاد، بیشتر آسیب‌پذیر هستند. امکان دارد آنها به آسانی به تن فروشی روی آورند و یا اینکه مورد تجاوز جنسی قرار گیرند. بسیاری از زنان معتاد نیز پس از استفاده از مواد مخدر دچار مشکلات صحتی شده‌اند و بیماری‌های روانی همانند عصبانیت، فراموشی، ترس، ضعف و لرزش دست‌ها و بدن دامنگیر آنها می‌شود.

از سوی دیگر فرهنگ حاکم به جامعه اعتیاد زنان را یک موضوع غیر اخلاقی در نظر می‌گیرد نه یک بیماری. این نگاه باعث می‌شود که به درمان زنان معتاد توجه نشود. بسیاری از زنان معتاد در برابر اینگونه نگاه تلاش می‌کنند که اعتیاد خود را پنهان کنند و از درمان آن اجتناب ورزند. اعتیاد



دردهای جسمانی و کاهش فشارهای روحی و روانی از مواد مخدر استفاده می‌کنند. در واقع آنها نمی‌خواهند معتاد شوند، تنها می‌خواهند فشارهای روحی و روانی و دردهای جسمانی شان کاهش یابد، اما آهسته آهسته به مواد مخدر معتاد می‌گردند؛ زیرا تأثیر مواد مخدر برای تسکین درد، موقتی است و بعد از آغاز درد فرد دوباره مجبور می‌شود که به مواد مخدر استفاده کند.

اعتیاد نه تنها فرد و خانواده‌ای او را متاثر می‌سازد بلکه جامعه را نیز متاثر ساخته و باعث افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گردد. قتل، سرقت، و سایر جرایم اجتماعی یا اعتیاد رابطی می‌تواند مستقیم دارد و افراد معتاد بیشتر مرتکب اینگونه جرایم می‌شوند. تجربه ی کشورهای دیگر با این معضل اجتماعی ثابت کرده است که عواقب ناگوار اعتیاد زنان به مواد مخدر بیشتر از اعتیاد مردان است. وقتی یک زن در یک خانواده دچار اعتیاد می‌شود، خانواده بصورت مستقیم متاثر می‌شود و احتمال از هم پاشیدن آن افزایش می‌یابد. از سوی دیگر به دلیل حضور دائمی زنان معتاد در خانه، کودکان آنها نیز از این وضعیت متاثر می‌شوند و امکان دارد آنها توسط مادر به مواد مخدر معتاد گردند. همچنان اعتیاد زنان به مواد مخدر، مشکلات عاطفی زیادی در خانواده‌ها بار می‌آورد. زنان معتاد به دلیل نداشتن شرایط روحی متعادل، نمی‌توانند رفتار خود را با کودکان شان کنترل کنند و

آلوده شدن به مواد مخدر و اعتیاد قرار می‌دهند. تحقیقات اجتماعی نشان داده است که زنانی که شوهران معتاد دارند، بیشتر از سایر زنان در معرض اعتیاد به مواد مخدر قرار دارند.

مردان معتاد برای اینکه زنان شان مانع استفاده مواد مخدر توسط آنها نشود، تلاش می‌کنند که زنان شان را نیز معتاد کنند، این کار آنها باعث می‌شود که در خانه دیگر کسی آنها را سرزنش و نصیحت نکند و مانعی برای استفاده از مواد مخدر وجود نداشته باشد. طبق بعضی از گزارش‌های تحقیقاتی، بیشتر زنان معتاد گفته‌اند اولین بار که مواد مخدر را استفاده کرده‌اند، این مواد توسط یکی از اعضای خانواده تهیه شده است.

همچنان بیشتر مردان معتاد بخاطر اینکه زنان شان آنها را ترک نکنند، تلاش می‌کنند که آنها را نیز معتاد بسازند. بسیاری از مردان می‌دانند در صورتیکه زنان شان به معتاد نباشند، هر روز امکان دارد که ادعای طلاق بکنند و از او جدا شوند. بنا بر این تلاش می‌کنند که با معتاد کردن زنان آنها را وابسته ی خود شان بسازند. زیرا زنان معتاد توان مالی تهیه مواد مخدر را ندارند و مجبور هستند در این کار از مردان کمک بخواهند و این کار باعث می‌شوند که آنها وابسته گردند و نتوانند ادعای طلاق و جدایی بکنند.

اما در کنار این‌ها عواملی دیگر نیز وجود دارد که زنان بخاطر آنها به مواد مخدر روی می‌آورند. بسیاری از زنان برای تسکین

اعتیاد یک معضل اجتماعی است که با توجه به تجارت جهانی آن، اکنون اکثر کشورهای جهان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. مردم افغانستان نیز سالها است که در کنار سایر مشکلات، از اعتیاد نیز رنج می‌برند، اما حکومت افغانستان هنوز نتوانسته در امر مبارزه با مواد مخدر و همچنان کاهش رنجی آوردن به اعتیاد موفق شود. تصور اکثر مردم در افغانستان این است که اعتیاد یک پدیده ی مردانه است، بسیاری از مردم از حضور زنان در قلیان خانه ها و سیگار کشیدن آنها تعجب می‌کنند چه رسد به اینکه فکر کنند آنها به مواد مخدر معتاد هستند. اما گزارش‌های رسمی و واقعیت‌های عینی اجتماعی، ثابت می‌کند که این تصور درست نیست و اکنون ۸۵۰ هزار زن در کشور به مواد مخدر معتاد هستند. بیکاری و ناامنی از جمله عواملی روی آوردن به مواد مخدر در افغانستان دانسته شده است. عواملی که این روزها بیشتر افغانها با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند و از پیامدهای ناشی از آنها رنج می‌برند. اما روی آوردن زنان به اعتیاد بیشتر از اینکه متاثر از فقر، ناامنی و بیکاری باشد، متاثر از زندگی خانوادگی آنها است. زنان افغانستان بیشتر اوقات خود را در خانه سپری می‌کنند و فعالیت‌های آنها محدود به چهار دیواری خانه می‌شود. در یک چنین وضعیتی وجود یک فرد معتاد در خانواده، احتمال روی آوردن زنان به اعتیاد را افزایش می‌دهد و آنها را بصورت مستقیم در معرض

در روزهای گذشته وزیر مبارزه با مواد مخدر گفته است که از مجموع سه و نیم میلیون معنادار افغانستان، ۸۵۰ هزار تن آنها را زنان تشکیل می‌دهد. وزیر مبارزه با مواد مخدر همچنان گفته است که ۱۱۰ هزار کودک نیز معنادار به مواد مخدر است. افغانستان یکی از کشورهای با چندین سال بی‌کفایتی است که تولیدکننده مواد مخدر شناخته شده است. تولید مواد مخدر و دسترسی آسان به آن، یکی از عوامل عمده ی اعتیاد در افغانستان به شمار می‌رود. اما این برای اولین بار است که ارقام رسمی از معناداران در کشور و بخصوص زنان معنادار ارائه می‌شود.

اعتیاد یک معضل اجتماعی است که با توجه به تجارت جهانی آن، اکنون اکثر کشورهای جهان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. مردم افغانستان نیز سالها است که در کنار سایر مشکلات، از اعتیاد نیز رنج می‌برند، اما حکومت افغانستان هنوز نتوانسته در امر مبارزه با مواد مخدر و همچنان کاهش رنجی آوردن به اعتیاد موفق شود. تصور اکثر مردم در افغانستان این است که اعتیاد یک پدیده ی مردانه است، بسیاری از مردم از حضور زنان در قلیان خانه ها و سیگار کشیدن آنها تعجب می‌کنند چه رسد به اینکه فکر کنند آنها به مواد مخدر معتاد هستند. اما گزارش‌های رسمی و واقعیت‌های عینی اجتماعی، ثابت می‌کند که این تصور درست نیست و اکنون ۸۵۰ هزار زن در کشور به مواد مخدر معتاد هستند. بیکاری و ناامنی از جمله عواملی روی آوردن به مواد مخدر در افغانستان دانسته شده است. عواملی که این روزها بیشتر افغانها با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند و از پیامدهای ناشی از آنها رنج می‌برند. اما روی آوردن زنان به اعتیاد بیشتر از اینکه متاثر از فقر، ناامنی و بیکاری باشد، متاثر از زندگی خانوادگی آنها است. زنان افغانستان بیشتر اوقات خود را در خانه سپری می‌کنند و فعالیت‌های آنها محدود به چهار دیواری خانه می‌شود. در یک چنین وضعیتی وجود یک فرد معتاد در خانواده، احتمال روی آوردن زنان به اعتیاد را افزایش می‌دهد و آنها را بصورت مستقیم در معرض



به مسؤلین نظام: حکایت روزمره انسان افغانی

□ صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
□ مدیر مسئول: محمد رضا هویدا  
□ سردبیر: حفیظ الله زکی  
□ کارکنان: خالق علی زاده

□ دبیر: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
□ مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

□ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷ - ۱۳۷

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com